



دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم، هم‌ه‌اش می‌تواند تداومی‌کننده مساله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها، و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن، و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

یادداشت ۱

در مقابل پیش‌خوان داروخانه که قرار گرفت، رو به تکنیسین داروخانه کرد و درخواست الکل سفید نمود. تکنیسین هم به طرف قفسه مربوطه رفت و یک شیشه محلول اماکول (رایینگ الکل) را جلوی متقاضی گذاشت.

مراجعه‌کننده سؤال کرد که چون این محلول رنگی است، روی دستگاهی که می‌خواهد با الکل تمیز کند، اثر می‌گذارد.

تکنیسین به اندازه کافی توضیح داد که این رنگ اولاً روی چیزی اثر نمی‌گذارد، در ثانی به این الکل مقداری رنگ زده اند تا فقط برای مصارف خارجی قابل استفاده شود و کسی آن را نخورد.

هرچه تکنیسین توضیح داد، به خرجش نرفت که نرفت و داروخانه را بدون الکل ترک کرد!

یادداشت ۲

پیش‌خوان داروخانه ما دو قسمتی است. قسمت اول بلافاصله بعد از در ورودی است. بعد از آن یک ستون وجود دارد و بعداً پیش‌خوان اصلی است. در برابر پیش‌خوان اصلی دو سه نفری حضور داشتند. یکی از این چند نفر به طرف پیش‌خوان اول رفت و روی کاغذ چیزی یادداشت کرد و بعداً مرا صدا زد: آقای دکتر، امکان دارد یک لحظه تشریف بیاورید؟ نسخه‌ای را که در دست داشتیم، تمام کردم و به طرف ایشان رفتم.

خانمی حدوداً چهل ساله بود و کاغذ یادداشت را به آهستگی به طرف من گرفت و پرسید: از این دارو دارید؟

روی کاغذ نوشته بود: ترامادول.

خوشبختانه به دلیل مشکلاتی که این دارو دارد هیچ وقت در داروخانه ترامادول نداشته و ترجیح داده ایم که در این مورد به مریض (اگر واقعاً متقاضی مریض باشد) بگوییم: نداریم!

یادداشت ۳

امروز بسیاری از داروهای تولید داخل برای خودشان نام تجاری دارند که در اصطلاح به آن «برند ژنریک» می‌گویند.

کارخانه داروسازی حکیم، داروهایی را که تولید می‌کند، عمدتاً با نام «برند ژنریک» است. یکی از این نام‌ها «گاباکسیم» است. گاباکسیم نام برند کارخانه داروسازی حکیم برای کپسول گاباپنتین است.

مریضی به داروخانه مراجعه کرد و پرسید: آقای دکتر، کپسول گاباکسیم تولید دارو می‌خواهم. متوجه اشتباهش شدم و کلی مسأله نام «برند» و مسأله «برند ژنریک» را برایش توضیح دادم.

اگرچه مریض قبول کرد و قانع شد ولی چون «گاباکسیم» نداشتیم و گاباپنتین موجود در داروخانه تولید کارخانه دیگری بود، مریض دست خالی داروخانه را ترک کرد.

یادداشت ۴

معمولاً بیماران هر دارویی را اولین بار از هر کارخانه‌ای تهیه کنند، برای ادامه درمان معمولاً قوطی دارو را به داروخانه می‌آورند و تقاضای همان دارو را می‌کنند. البته، ادامه درمان و داروهایی که باید همیشگی مصرف شوند، در مواردی بهتر است

که از یک کارخانه تولیدی باشد. البته، این مسأله در مورد تعداد اندکی از داروها صادق است و قابل تعمیم به همه داروها نیست. امروز بعضی از داروها بیش از بیست کارخانه تولیدی دارند و تهیه داروهای تولیدی همه آنها برای داروخانه مقدور نیست. مریضی آمد و جعبه آتورواستاتین یک کارخانه نسبتاً کم مصرف را نشان داد و گفت: آقای دکتر خود این دارو را می‌خواهم. هرچه برایش توضیح دادم که این دارو نیاز به این ندارد که همیشه از تولیدی یک کارخانه خاصی مصرف کنید، قبول نکرد و دست خالی رفت.

یادداشت ۵

جلوی پیش خوان داروخانه که ایستاد، رو به من کرد و گفت: آقای دکتر، پماد مومتازون کارخانه‌های مختلف فرق دارند؟ من هم پاسخ دادم که فرقی ندارند و فرمولاسیون همه آنها یکی است. مراجعه‌کننده چنین ادامه داد: در خواص پماد مومتازون یکی از کارخانه‌ها نوشته قرمزی را از بین می‌برد. در مومتازون کارخانه دیگر چنین مطلبی را عنوان نکرده است. سؤال کردم که اطلاعات شما از چه منبعی است؟ ایشان هم گفت: از روی سایت چنین مطلبی را خوانده‌ام.

ضمن این که به ایشان گفتم به این سایت‌ها نمی‌شود اعتماد کرد، برایش توضیح دادم که مومتازون به دلیل این که کورتیکواستروئید است ساخت هر کارخانه‌ای باشد، قرمزی پوست را از بین می‌برد و ربطی به نوشتن و ننوشتن ندارد.

یادداشت ۶

سه نفر با هم وارد داروخانه شدند و دو تا نسخه داشتند. دو نفر خانم بودند و هر یک نسخه‌ای را به دست تکنیسین داروخانه دادند. آقای هم که همراه آنها بود، روی صندلی نشست و منتظر ماند. کارشان که تمام شد و وقت حساب و کتاب رسید، خانمی جلوی دستگاه کارت خوان آمد و وقتی از او شماره رمزش را خواستم، با صدای بلند رمز را گفت: البته، شماره رمزش روند نبود و اتفاقاً پول به اندازه کافی هم نداشت و مجبور شد کارت دیگری را ارائه بدهد.

کارت دوم را که کشیدم رمز را از ایشان سؤال کردم. این بار به آهستگی هرچه تمام‌تر شماره رمز را گفت که من هم که نزدیک بودم خیلی متوجه نشدم و دوباره سؤال کردم. شماره این یکی روند بود و چهار عدد یکسان بود.

حالا چرا این شماره روند را طوری آهسته گفت که دو نفر دیگر که همراهش بودند متوجه نشوند را متوجه نشدم!